

کنکاش در نام «ته‌پل محله» یکی از محلات قدیمی مشهد در اسناد و مکتوبات تاریخی

محله‌ای که از آن آب می‌جوشید

مرضیه ترابی | نوغان یکی از قدیمی‌ترین – و شاید قدیمی‌ترین – محلات مشهد است؛ نام این محله با شهر باستانی نوغان (یا نوغان) پیوند دارد که برخی مشهدشناسان معاصر مانند «مهدی سیدی»، آن را تغییر شکل یافته «نوکند» می‌دانند؛ هر چند تطبیق مکان واقعی شهر نوغان با محله امروزی، اثبات شده نیست. محله نوغان در سده‌های پیشین از گستره زیادی برخوردار بود و در دوره قاجار، تقریباً فضای جبهه شمالی شهر مشهد را در بر می‌گرفت. این گستره جغرافیایی باعث می‌شد که در آن خرده محلاتی با ویژگی‌های بومی خاص و سطح اقتصادی مشخص ساکنان شکل بگیرد. به این ترتیب، در برخی نقاط نوغان، به ویژه در سمت غرب آن، افرادی با سطح دارایی و ثروت بالا زندگی می‌کردند و در بعضی مناطق این محله، به ویژه در شرق آن، افراد تهیدست و فقیر سکونت داشتند. یکی از مشهورترین خرده محلاتی که شاید بتوان آن را در برخی دوره‌های ازمنه قدیم، محله‌ای مستقل فرض کرد، «ته‌پل محله» است؛ مکانی که امروزه از میان آن، بولوار بزرگ عبور می‌کند و به واسطه مسجد مروی‌ها، بیشتر از گذشته شناخته می‌شود. اینکه چرا نام این منطقه را «ته‌پل محله» گذاشته‌اند، موضوع نوشتار پیش روی شماست که امیدوارم بتواند رضایت خاطرتان را جلب کند و بر اطلاعات عمومی شما درباره تاریخ و هویت شهر مشهد بیفزاید.

- نامی با بسامد گیلانی و مازندرانی

یکی از چیزهایی که معمولاً در بررسی هویتی نام «ته‌پل محله» کمتر به آن توجه می‌شود این است که این نام، با اسامی به کار رفته برای مکان‌های شمال کشور، در استان‌های گیلان و مازندران، هم‌نمایی خاصی دارد؛ در واقع «ته‌پل محله» را باید دارای بسامد پرتکرار نام‌های مکان در این دو استان بدانیم و ممکن است این‌گونه به ذهن ما متبادر شود که شاید نام‌گذاری این مکان در مشهد، به نوعی، با افرادی که ریشه‌های قومی گیلانی یا مازندرانی داشته‌اند، ارتباط دارد. این تصور البته به کلی اشتباه نیست، اما نمی‌توان برای چنین دلیلی، عمومیت و قطعیت قائل شد. درست است که در گیلان و مازندران با نام‌هایی مانند «پیر محله»، «طلش محله»، «شیرودمحله»، «شیخان محله» و «سادات محله» به فراوانی روبه‌رو می‌شویم، اما معنای این هم‌خوانی، انتساب نام «ته‌پل محله» به لهجه این دو خطه نیست. آمدن واژه «محله» در پایان نام‌هایی مانند «شیرودمحله» و «شیخان محله» را باید نخست از منظر ساخت زبانی بررسی کرد، نه صرفاً جغرافیای محل. این نام‌ها از نوع «ترکیب اسمی» هستند؛ جزء نخست، شناسه یا وصف مکان را می‌آورد و جزء دوم، یعنی «محله»، نوع یا هسته مکان را مشخص می‌کند. بنابراین «شیرودمحله» در اصل به معنای «محله‌ای وابسته به شیرو» یا «ته‌پل محله» در اصل محله‌ای وابسته یا شناخته شده با پُل انتهای آن معنا می‌شود. باید توجه داشت که در زبان فارسی ساخت چنین ترکیب‌هایی،

- وجه تسمیه ته‌پل محله

گشت‌وگذاری در ته‌پل محله وگفت‌وگو با معمرین این منطقه و شنیدن داستان‌های آن‌ها درباره تاریخ این مکان، چند خروجی ثابت و مشخص دارد؛ خروجی‌هایی که معمولاً بدون استناد به سند یا گزاره قابل اتکای تاریخی مطرح می‌شود. چنین ادعاهایی را عموماً نمی‌توان به عنوان تأیید مطلق یک روایت، محل توجه قرار داد. با این حال، درباره علت نام‌گذاری ته‌پل محله، چند روایت از میان روایت‌های رایج قابل مرور است که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم:

تغییر شکل یافته «قُتَبَل محله»: برخی مدعی هستند که نام «ته‌پل محله»، در واقع تغییر شکل یافته «طبال محله» است. این افراد می‌گویند که در این محله، طبل‌های بزرگی برای اوقات شرعی یا زمان‌های خاص نواخته می‌شد، رسمی که البته در دیگر محلات نیز، به چشم می‌آمد، اما چون شروع آن از این منطقه بود، نام طبال محله را برایش انتخاب کرده بودند و به تدریج این نام به «ته‌پل محله» تغییر کرد. درباره این ادعا، هیچ گزاره تاریخی و سند قابل اتکایی در اختیار نداریم و روایت مذکور، صرفاً اخذ شده از تاریخ شفاهی و حافظه نه چندان معتبر برخی از افراد محله مذکور است؛ گویانکه در همان محله، برخی دیگر از معمرین ادعایی متفاوت را مطرح می‌کنند و گزینه «طبال محله» را زیر سؤال می‌برند.

تغییر شکل یافته «تاپاله محله»: گروهی دیگر چنین ادعا می‌کنند که «ته‌پل محله» در واقع تغییر شکل یافته «تاپاله محله» یا «تَبَّاله محله» است. «تاپاله» یا «تَبَّاله»، همان مدفوع گاو است که در قدیم به عنوان سوخت استفاده می‌شد و به‌ویژه در «تون» (گلخن) حمام‌ها از آن به فراوانی استفاده می‌کردند. راویان این ادعا معتقدند که در این منطقه، بخش مهمی از تاپاله‌های مورد

نیاز در مشهد تهیه و خشک می‌شد و به همین دلیل نام مذکور در روی این مکان گذاشتند که به تدریج شکل آن تغییر کرد و «ته‌پل محله» شد. چنان روایتی را هم باید بی‌اساس بدانیم. اصولاً نشانه‌ای تاریخی درباره مرکزیت تهیه سوخت تاپاله در «ته‌پل محله» وجود ندارد. نام‌های برخی کوچه‌های قدیمی و تخریب شده هم، مانند «کوچه طوبله»، نمی‌تواند دلیلی بر این ویژگی باشد و به نظر می‌رسد صرفاً شباهت آوای دو واژه «تَبَّال» (که برخی آن را تَبَّل تلفظ می‌کنند) با «تاپاله»، افراد را دچار این تصور نادرست کرده است.

پلی که در انتهای نوغان قرار داشت: سومین روایت به پُلّی اشاره دارد که روزگاری در شمال غربی محله نوغان قرار داشت؛ پلی ظاهراً سنگی که مردم از روی آن عبور می‌کردند و به همین دلیل، مکان یادشده را با نام «ته‌پل محله» شناختند و نام‌گذاری کردند. این روایت، نسبت به دو روایت قبلی، قابلیت بررسی بیشتری دارد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

- دلایل وجود پُل در انتهای نوغان

نخستین دلیلی که می‌توانیم برای قبول ادعا، هر چند به صورت نسبی، اقامه کنیم، اصالت ظاهر است. نام «ته‌پل محله»، حکایت از پلی دارد که در انتهای یک محله قرار گرفته است.

در وهله اول، کسانی که به دنبال دلایل منطقی هستند، این نام را به عنوان نام دست‌نخورده و بدون تغییر می‌پذیرند؛ در واقع زمانی می‌توانیم از تغییر شکل به اسم سخن بگوییم که دلیل یا سند قابل اتکا و منطقی درباره آن داشته باشیم. صرف گمان و وهم نمی‌تواند چنین استدلالی را تقویت کند. بنابراین، اصل بر این می‌گیرد که نام «ته‌پل محله» بدون تغییر تا امروز باقی مانده است و اصالت دارد.

دومین دلیل ما در تمایل به صحت دلیل اخیر، روایتی است که درباره تاریخ محله نوغان و در متون قابل استناد وجود دارد. اثبات وجود پُل زمانی ممکن است که ابتدا بتوانیم وجود نهر یا فضای مملو از آبی را اثبات کنیم. در این زمینه یک روایت امیدوارکننده وجود دارد. رضاقلی خان هدایت در «روضةالصفاى ناصرى» ضمن بررسی



عبارت «زمینی که آب می‌جوشد، را می‌توان در نقشه دالنج که نخستین نقشه رسمی مشهد در دوره قاجار است، دید

جغرافیای محله نوغان به موضوعی اشاره می‌کند که محمدحسن خان اعتمادالسلطنه نیز، آن را در «مطلع الشمس» آورده است. رضاقلی خان می‌نویسد: «نزدیک دروازه نوغان کویی است پُر آب طولاً و عرضاً شصت ذرع آیش به جهت اقتضای هر سال کم و بیش می‌گردد ولی هرگز خشک نگردیده». می‌دانیم (بر طبق نقشه‌های قدیمی مشهد) که محل دروازه نوغان، بیش از همه به ته‌پل محله نزدیک و بلکه بخشی از حاشیه این منطقه بوده است. بنابراین در قرار گرفتن «کویی پرآب» در «ته‌پل محله» کمتری می‌توان تردید کرد. مساحت این فضای پر آب هم قابل تأمل است. می‌دانیم که هر ذرع معادل ۱٫۴ متر است؛ با در نظر گرفتن این موضوع، مساحت فضای پر آب به حدود ۳ هزار و ۸۹۴ متر مربع بالغ می‌شود که فضای نسبتاً بزرگی است و وجود پلی برای عبور از منطقه باریک آن و کوتاه کردن مسیر تردد عابران، ضرورت داشته است. برخی معتقدند که نام‌گذاری کوچه «دریادل» نیز، ریشه در وجود این محدوده پرآب در داخل باروی مشهد دارد که البته باید در مجال دیگری به صحت یا سقم آن بپردازیم.

در نقشه‌های قدیمی مشهد، به ویژه نقشه مشهور «کلنل دالنج» هم می‌توان رد و نشانی از این محدوده پیدا کرد. بر اساس مندرجات این نقشه که در ذی الحجه ۱۲۸۶ قمری (اسفند ۱۲۴۸ خورشیدی / ۱۵۷۲ سال پیش) تهیه شده است، در مجاورت دروازه نوغان محدوده‌ای قرار گرفته که با عنوان «زمینی که آب می‌جوشد» از بقیه نقاط استثنا شده است.

این سند بسیار مهم، روایت رضاقلی خان هدایت و محمدحسن خان اعتمادالسلطنه را تأیید می‌کند. با در نظر گرفتن این مستندات و نیز روایات تاریخ شفاهی که اکنون می‌توان با تکیه بر اسناد متقن به آن‌ها اعتماد نسبی داشت، می‌شود دلیل نام‌گذاری «ته‌پل محله» را ثبلی دانست که برای عبور و مرور در بخشی از منطقه پرآب نزدیک دروازه نوغان ساخته شده بود. ظاهراً پیشوند «ته» را به این دلیل بر نام «پُل» افزوده‌اند که در انتهای مسیر خروجی و جنب دروازه نوغان، به عنوان دروازه شمالی مشهد قرار داشته است.

- برابر اسناد اولین وام‌های دریافت‌شده در ایران مربوط به دوره قاجار است

۱۳۸ سال است که بانک‌ها دو ضامن می‌خواهند



تصویری از نخستین اسکناس‌های چاپ شده در ایران

تا اگر بدهکار از عهده بر نیامد «تمام تنخواه» را از آن دو نفر بازستاند. پس با این تفصیل هرکس «می‌خواهد ضمانت بکند، نمی‌خواهد نکند»، به هر صورت باید تنخواه را سر وعده «به دفتر مرکزی» برساند. بانک پذیرفت که بدهکاران بتوانند تنخواه را پیش از «انقضای وقت هم کارسازی کنند. مشروط بر اینکه به دفتر مرکزی برسانند و در عوض قبض از رئیس بانک با نایب بانک بگیرند.»

منبع: بازرگانان در داد و ستد با بانک‌های رژی تنباکو (بر پایه آرشپو امین‌الضرب) نوشته هما ناطق

باید گفت، او یکی از معروف‌ترین تجار تهران بود که در آن دوران با قرض دادن پول به نیازمندان و بستن بهره به آن کسب درآمد می‌کرد.

در روایتی درباره وام‌دهی در دوره ناصری آمده است: «بانک حتی مدعی می‌شد که می‌تواند از فساد مالی دولت مردان بکاهد. زیرا اگر آقامحمدتقی نجفی یا بازرگانان با بهره ۱۸ یا گاه با ۳۰ درصد وام می‌دادند، بانک متعهد شد که به بهره ۱۲ درصد بسنده کند و از این راه بازرگانان و بزرگان ایران را یاری دهد و زمینه را برای سرمایه‌گذاری‌های تازه آماده سازد.» در توضیح آقامحمدتقی نجفی هم

گروه تاریخ و هویت بانک شاهنشاهی اولین بانک به مفهوم امروزی بود که با صدور امتیازنامه‌ای از جانب ناصرالدین شاه قاجار در یازدهم بهمن ۱۲۶۷ خورشیدی برای «بارون جولیوس دو روبرتر»، بانکدار یهودی-انگلیسی و با فرمان سلطنتی ملکه ویکتوریا از بریتانیا تأسیس شد. استفاده از اسکناس در دوران قاجار راهم اولین بار بانک شاهنشاهی در ایران رایج کرد. پس از انقلاب اسلامی به موجب لایحه ملی شدن بانک‌ها تمامی فعالیت‌های بانک شاهنشاهی ایران را به بانک تجارت واگذار کردند.

سند نوشت

ایران نامه

گزارشی کوتاه‌از تاریخ دژی در شمال خراسان

آلمادوشن اشکانی در سرزمین خورشید



هادی دقیق| شمال شرق محدوده جغرافیایی که امروزه ایران نام دارد. در طول تاریخ حساسی شلوغ بوده و داستان داشته است. شاهدش هم از مهاجرت آریایی‌ها و... هست تا حمله‌های جوروا جور مغول‌ها و اقوام گوناگون که برخی هایشان تا غرب و مرکز ایران هم کشیده شده است.

سال‌ها پس از اینکه اسکندر هخامنشیان را از تخت قدرت پایین کشید و حکومت یونانی سلوکیان بر ایران حکمرانی می‌کرد، باز هم اتفاقی در شمال شرقی ایران افتاد که دامنه تأثیرش در دوره‌هایی تا آناتولی و همسایگی حکومت‌های اروپایی آن زمان هم می‌رسید. پارتیان قومی بودند که در کرانه شرقی دریای خزر زندگی می‌کردند. نام آن‌ها چندبار در کتیبه‌های هخامنشی به‌عنوان بخشی از سرزمین زیر سلطه‌شان آمده است. حوالی سال ۲۵۰ پیش از میلاد، فردی به نام ارشک در سرزمین پارت قومش را علیه سلوکیان متحد کرد و سلسله‌ای جدید به نام اشکانیان بنا نهاد. نخستین مرکز حکومت اشکانیان شهر نسا بود. نسا شهری تاریخی در نزدیکی عشق‌آباد ترکمنستان امروزی است. از این شهر حتی در متون دوره اسلامی هم به‌عنوان یکی از شهرهای مهم خراسان بزرگ یادشده است. خود عشق‌آباد هم احتمالاً پیش‌تر اشک‌آباد بوده که دلالتی است بر محل تولد پادشاهی اشکانیان و نام‌بنیان‌گذار این سلسله. به تعبیر ملک الشعرا بهار، «نهضت اشکانیان گشت از خراسان آشکار/ اشک اول کرد بنیاد آن بنای استوار».

اشکانیان در زمان خودشان طولانی‌ترین حکومت تاریخی ایران را داشتند. آن‌ها تا سال ۲۲۴ میلادی بر قلمرویی حکومت کردند که یک سرش به هند می‌رسید. آن‌سوییش آناتولی بود و شمال و جنوبش را آب‌های خزر و خلیج فارس محدود می‌کردند. با همه این‌ها، از این پادشاهی بلندمدت که بیش از دوبرابر حکومت هخامنشیان طول کشید، اطلاعات کمی در دست داریم و حتی نام همه شاهانشان را هم به‌درستی نمی‌دانیم. در کل، تاریخ اشکانیان خیلی تیره‌و‌تار است. البته شواهد باستان‌شناسی هرچند کم، به درک این تاریخ کمک کرده و کورسویی از نور به عمق آن تابیده‌اند. از همین شواهد درمی‌یابیم که اشکانیان به نسا و شمال شرق ایران محدود نشده‌اند و پایتخت بعدی‌شان شهر صد دروازه در دامنغان امروزی بوده است. این پایتخت‌ها به‌ری و هگمتانه همدان و حتی تیسفون در همسایگی بغداد امروزی رسیده است.

- سرگذشت آلمادوشن

با همه این‌ها، شواهدی که از اشکانیان در نسا داریم، تا امروز برای مجاب‌کردن پژوهشگران حوزه تاریخ کافی بوده است. بی‌تردید حضور حکومتی مقتدر مثل اشکانیان در این منطقه، فقط به نسا یا عشق‌آباد محدود نبوده است؛ پس ممکن است در سراسر خراسان بزرگ آثاری از آن‌ها دیده شود. این سوی مرز و در خراسان شمالی امروزی، شواهدی از حضور اشکانیان هست. یکی از ردپاهای شگفت‌انگیز اشکانیان در شمال خراسان و تقریباً پنجاه کیلومتری نسا، دژی است به نام آلمادوشن که شهریور ۱۳۸۷ با عنوان «بقایای ارگ آلمادوشن» به‌عنوان اثری فرهنگی تاریخی در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است. آلمادوشن که در دهستان غلامان بخش راز و جرگلان خراسان شمالی قرار دارد، در امتداد رشته‌کوه آلااداغ است.

آلااداغ جدا از کوه‌های رنگارنگ، به پستی‌بلندی‌های فراوان و دیدنی‌اش معروف است. آلمادوشن هم در میانه این پستی‌بلندی‌ها روی یک عارضه طبیعی ایجاد شده است که جذابیتش را دوچندان می‌کند. کوهی با دامنه شیب‌دار را در نظر بگیرید که در انتهایش صخره‌هایی عمود دارد. حالا بالای همین کوه را در تصوراتن به‌شکل افقی برش بزنید. آن قدر دقیق و ظریف که انگار تنه درختی را بااره‌برقی برش می‌زنید. از این دست کوه‌ها در نزدیکی روستای غلامان کم نیست. اکنون به این‌ها بلندی کوه‌ها را هم اضافه کنید، چنان که بر سراسر منطقه اشراف دارد و گستردگی سطح صافشان آن قدر هست که می‌توانسته است چند شهر باستانی را در بر بگیرد. چنین موقعیت جذابی قطعاً حاکمان سده‌های آخر پیش از میلاد و نخستین میلادی را وسوسه می‌کرده است؛ دژی طبیعی و بلند و گسترده در نزدیکی یکی از شهرهای اصلی امپراتوری. با همه این‌ها، امروز چیز زیادی از تاریخ آلمادوشن نمی‌دانیم، چون هنوز کاوش‌های منطقه آن قدر نیست که نوری بر این تاریخ تاریک بتاباند.

- آینده روشن آلمادوشن

چند سالی است که اوضاع برای آلمادوشن تغییر کرده و طرح‌هایی برای کاوش روی این دژ طبیعی ارائه و پیاده شده است. همین دوسه سال پیش بود که سرپرست معاونت میراث فرهنگی خراسان شمالی از آغاز عملیات کاوش باستان‌شناسی در محوطه تاریخی آلمادوشن خبر داد. محمدرضا قهرمانیان در خبری که میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی خراسان شمالی منتشر کرده بود، از عملیات کاوش باستان‌شناسی در محوطه آلمادوشن به سرپرستی حسنعلی عرب از ۳۱ تیر ۱۴۰۲ تا اواسط شهریور همان سال خبر داده بود.

امروز هم که برای خبرگرفتن از اطلاعات و اطالعات تاریخی درباره آلمادوشن سراغ او رفتیم، تقریباً گفته‌ها همان بود. سرپرست معاونت میراث فرهنگی خراسان شمالی با اشاره به نداشتن هیچ‌گونه اطلاعات باستان‌شناسی از منطقه و ناشناخته بودن سنت‌های تاریخی و فرهنگی آن افزود: محوطه تاریخی المادوشن سال ۱۳۸۷ به شماره ۲۳۱۷۰ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است. پس از اینکه بخش راز و جرگلان در سال ۱۳۹۲ به‌عنوان شهرستان از بجنورد تفکیک شد، برنامه بررسی باستان‌شناسی این شهرستان در اولویت پژوهش‌های باستان‌شناسی اداره‌کل استان قرار گرفت. کاوش در این محوطه در راستای شناخت، مطالعه و بررسی لایه‌های فرهنگی ارگ آلمادوشن، خواناسازی شواهد معماری و ساختارهای استقراری و سلطنتی ارگ، تهیه و تدوین پلان مناسب برای بهره‌برداری از محوطه در راستای توسعه اقتصادی منطقه، آگاه‌سازی ساکنان منطقه و برقراری ارتباط بین محوطه و آن‌ها و تدوین و انتشار اطلاعاتی درباره محوطه برای تقویت هویت ملی و هم‌بستگی ملی انجام خواهد شد.

قهرمانیان همچنین افزود، در زمینه قدمت و تاریخچه اثر می‌توان گفت با توجه به آثار و مواد باستان‌شناسی که از سطح این دژ یافت شده است و قرارگیری چندین محوطه و قلعه از دوران اشکانی در اطراف این اثر، به نظر می‌رسد ارگ المادوشن با توجه به ویژگی‌های طبیعی آن یک قلعه نظامی است که از دوران اشکانی تا سده‌های میانه اسلامی یعنی سده‌های شش و هفت هجری قمری برای اهداف نظامی کاربرد داشته است. ارگ آلمادوشن با توجه به موقعیت و ویژگی‌های طبیعی آن که در منطقه منحصربه‌فرد است، از نظر نظامی در یک سیر هزاروپانصدساله یعنی از دوره اشکانی تا سده‌های میانه اسلامی حائز اهمیت بوده است. بنابراین، حفظ و مستندنگاری این اثر در روند مطالعات باستان‌شناسی دوره‌های یادشده در منطقه ضروری است. شناخت محوطه‌های دوره اشکانی در این منطقه، در شناخت ساختار قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اشکانیان در مراحل گوناگون پادشاهی‌شان به ما کمک می‌کند.